

رابطه اعتماد اجتماعی با فردگرایی افراطی در شهر مشهد^۱

پری‌ناز بیدل^{*}، علی‌اکبر محمودزاده^{**}، احمد صادقی^{***}

مقدمه: تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان فردگرایی افراطی و رابطه اعتماد اجتماعی با آن، انجام گرفته است. فردگرایی افراطی به عنوان یک آسیب اجتماعی، بر اولویت اهداف فردی و گرایش به خودمختاری تأکید دارد؛ از طرفی، افزایش نفع‌طلبی‌های خودخواهانه، زمینه کاهش دلبستگی و تعهدات فرد نسبت به جامعه ملی را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، افراد در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را برمی‌گزینند، حتی اگر به دیگران آسیب برسانند.

روش: این تحقیق در سال ۱۳۹۰، به روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه اجرا شده است. جامعه آماری تحقیق، افراد بالای ۲۰ سال شهر مشهد با جمعیتی معادل ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده و حجم نمونه با فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد گردید که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند. یافته‌ها: میانگین فردگرایی افراطی در سطح متوسط (۲/۶) و میانگین اعتماد اجتماعی در سطح پایین (۲) قرار داشت. بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطه منفی وجود داشت. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، مجموع متغیرهای مستقلی که در مدل نهایی باقی ماندند، ۵۳ درصد از تغییرات فردگرایی افراطی را تبیین کردند که در این میان، تأثیر متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن به ترتیب بیشتر بوده است. **بحث:** سطح اعتماد اجتماعی در همه ابعاد تعاملات اجتماعی، پایین بوده و افزایش این بی‌اعتمادی، باعث افزایش فردگرایی افراطی در جامعه شده است.

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد مدنی، فردگرایی افراطی

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۳

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه خانم پری‌ناز بیدل در دانشگاه آزاد قوچان به راهنمایی دکتر علی‌اکبر محمودزاده و مشاوره دکتر احمد صادقی بوده است.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، <p.bidel@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران

*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، ایران

مقدمه

فردگرایی، فلسفه‌ای است در مورد زندگی که بر اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی نه چندان منسجم و گرایش به خودمختاری تأکید دارد (فرانزوی، ۱۳۸۱). در حالی که مهم‌ترین مؤلفه‌های تعلق اجتماعی، دلبستگی، وفاداری، وابستگی و پیوستگی به مای جمعی می‌باشد (پولینی^۱، ۲۰۰۰) که به نوعی همان حس درگیری شخصی (آنانت^۲، ۱۹۶۶) در یک سیستم اجتماعی است که فرد خود را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از نظام احساس می‌کند (هاجرتی و همکاران^۳، ۱۹۹۲). برعکس، فردگرایی با افزایش نفع طلبیهای خود خواهانه همراه بوده و زمینه کاهش تعهدات فرد نسبت به جمع و جامعه را افزایش داده و کاهش تدریجی حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت را فراهم می‌کند. بنابراین، فردگرایی نقطه مقابل تعلق اجتماعی است.

از آنجا که فردگرایی با روحیه جمع‌گرایی و ایثار، قابل جمع نیست، نهایتاً به نادیده گرفتن حقوق جمعی می‌انجامد. از این منظر، فردگرایی در مقابل جامعه‌گرایی یا سوسیالیسم و اصالت جمع یا کلکتویسم^۴، قرار می‌گیرد (نراقی، ۱۳۸۶). در فرهنگ فردگرا، افراد مستقل و دارای الگوهای یگانه از صفاتی که آنها را از دیگر مردم متمایز می‌کند، در نظر گرفته شده و در مقابل این استقلال و یگانگی، در فرهنگهای جمع‌گرا، مردم خود را وابسته به گروهی که بدان تعلق دارند، می‌بینند (گونکالو و استاو^۵، ۲۰۰۶). در این جوامع، بر صداقت و وفاداری به گروه تأکید شده و تصمیمهای گروهی بر فردی ارجحیت داده می‌شود، در حالی که در فرهنگهای فردگرا، خود فرد و امیال و احساسات او بیشتر اهمیت دارد و افراد در آن وابستگیهای درون‌گروهی گسترده‌ای ندارند و احتیاجات و علایق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵).

1. Pollini
4. collectivism

2. Anant
5. Goncalo and Staw

3. Hagerty

همیشه، وجود حداقلی از جهت‌گیریهای جمع‌گرایانه برای هر جامعه ضرورت دارد، زیرا طیف عمده‌ای از مسائل اجتماعی، به عدم «ملاحظه دیگران» یا «دیگربینی»^۱ در رفتارهای فردی و جمعی افراد، باز می‌گردد (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴). بنابراین، یافتن عواملی که بستر این آسیب اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد و روند فردیت‌گرایی منفی را تسریع و تقویت می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد، خودخواهی و منفعت‌طلبی فردی که در کنشهای افراد جلوه‌گر می‌شود، نتیجه تفسیر منفی افراد از شرایط اجتماعی است. اگر افراد، محیط پیرامون خود را تهدیدآمیز تلقی کنند، به دیگران بی‌اعتماد شده و در پیله حریم شخصی خود فرو می‌روند و احساس انزوا و تنهایی و فردیت‌طلبی در آنان تقویت خواهد شد. در این شرایط، فرد در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را ترجیح می‌دهد؛ حتی اگر به دیگران آسیب برساند و یا حتی در مواردی، فرد در تقابل با دیگران قرار گرفته و به خصومت با افراد جامعه خواهد پرداخت.

باید خاطر نشان کرد، از آنجا که کم و کیف توسعه، بر رفتار افراد جامعه تأثیر دارد؛ عدم توانایی یک جامعه در پاسخگویی به انتظارات افراد آن جامعه، زمینه عدم دل‌بستگی و بی‌اعتنایی افراد به شرایط موجود و مسیر کناره‌گیری آنان از تعاملات ملی و مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند. بنابراین، شرایط اجتماعی نامتعادل، همانند وجود تبعیض و محرومیت، می‌تواند باعث تصور و ادراک منفی در افراد نسبت به جامعه شود که نتیجه آن، نارضایتی اجتماعی و سرخوردگی و مهم‌تر از همه، بی‌اعتمادی عمومی است (اکلاک^۲، ۲۰۰۷).

اعتماد اجتماعی، عنصر سازنده ارتباطات ناب اجتماعی می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۲) و برای توسعه حس تعلق جمعی، به عنوان ضروری‌ترین مؤلفه انسجام اجتماعی نیز ضرورت دارد

1. other-regarding
2. Eclac

(اکلاک، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، اعتماد اجتماعی سبب اتصال افراد و تقویت روابط جمعی می‌شود و جدی‌ترین پیامد افزایش بی‌اعتمادی، کاهش تعلق اجتماعی و افزایش فردگرایی منفی خواهد بود.

باتوجه به این که جامعه ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار (ریبعی، ۱۳۸۷) در تکاپوی دستیابی به توسعه‌یافتگی است و از دیگر سو، باتوجه به نقش فرد در جریان توسعه‌یافتگی، چالشهای ایجادشده در این مسیر چه برای فرد و چه برای جامعه به دلیل اهمیت موضوع، قابل توجه و بررسی می‌باشد و از آنجا که کاهش روزافزون تعلق اجتماعی در برابر منافع و مصالح فردی، از جمله مهمترین مسائل آسیب‌زای هر جامعه می‌باشد، به خصوص «از آنجا که فردگرایی منفی تأثیری تخریبی و ضد توسعه‌ای در جامعه از خویش برجای می‌گذارد» (میرزایی، ۱۳۸۰)، امروزه این مسأله بیشتر از قبل مورد توجه محققان قرار گرفته است. به دنبال اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در پی بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با فردگرایی افراطی در جامعه ایران، انجام گرفته است و به طور مشخص به دنبال پاسخ به این سوالها می‌باشد: «میزان فردگرایی افراطی در شهروندان مشهد چقدر است؟»، «میزان اعتماد اجتماعی در شهروندان مشهد به چه مقدار است؟»، «آیا اعتماد اجتماعی بر فردگرایی افراطی این شهروندان مؤثر است؟»، «هر کدام از ابعاد اعتماد اجتماعی به چه میزان بر فردگرایی افراطی آنان مؤثرند؟».

پیشینه تجربی

اصطلاح فردگرایی، اولین بار در قرن نوزدهم در فرانسه و در واکنش به انقلاب فرانسه و در واکنش به جریان روشنفکری مطرح شد (لوکز^۱، ۱۹۷۱). محققین، عموماً این نظریه دیکشنری انگلیسی اکسفورد را پذیرفته‌اند که فردگرایی از زبان فرانسوی، از طریق ترجمه

1. Lukes

هنری ریو^۱ در ۱۸۴۰، از کتاب «دموکراسی در آمریکا» از الکسی دوتوکویل^۲ که در ۱۸۳۵ منتشر شد، وارد زبان انگلیسی شد. اما کوئن راد استوارت^۳ (۱۹۶۲) در کنار اعتقاد به ریشه فرانسوی این اصطلاح، اولین کاربرد آمریکایی آن را به سالهای قبل تر منتسب می‌داند و معتقد است که توسط آگوست کنت^۴ در سال ۱۸۲۵، بیان شد و به طور مشخص به وسیله سن سیمون^۵ در نشریه «تولیدکننده» در ۱۸۲۶ استفاده شده است (کلایس^۶، ۱۹۸۶).

نتایج تحقیقات متعدد که در رابطه با فردگرایی و جمع‌گرایی در کشورها و فرهنگهای مختلف انجام شده است، نشان می‌دهد که میزان فردگرایی در کشورهای مختلف متفاوت است (دیویدسون^۷ و همکاران، ۱۹۸۹؛ مارکوس و کیتایاما^۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴؛ باچنیک^۹، ۱۹۹۴؛ اویزرمن^{۱۰}، کون و کمل می‌یر^{۱۱}، ۲۰۰۲؛ هافستید^{۱۲}، ۲۰۰۱ و ۱۹۹۸؛ بوند و اسمیت^{۱۳}، ۱۹۹۸ و تریاندیس و دیاز^{۱۴}، ۱۹۷۶). جمع‌گرایی، بیشتر در فرهنگ کشورهای آسیایی و فردگرایی بیشتر در کشورهای غربی دیده شده است (اسعدی و دیگران، ۱۳۸۵) و به‌خصوص در فرهنگ اروپای شمالی و غربی و آمریکای شمالی، گرایش بیشتری به فردگرایی وجود داشته است (تریاندیس^{۱۵} و همکاران، ۱۹۸۸).

برای نمونه، در تحقیق هافستید (۲۰۰۱) که میزان فردگرایی و جمع‌گرایی در ۷۴ کشور بررسی شده است، گواتمالا، اندونزی و تایوان، نمونه‌هایی از کشورهای جمع‌گرا و ایالات متحده آمریکا با نمره ۹۱ و سپس استرالیا و کانادا نمونه‌هایی از کشورهای با سطح بالای فردگرایی بوده‌اند. در این بررسی، ایران نمره ۴۱ را در بین ۷۴ کشور در فردگرایی دارا بوده است (باساب و روز^{۱۶}، ۲۰۰۵). آزاده و توکلی (۱۳۸۶) در بررسی «چگونگی وضعیت ارزشهای فردگرایانه- جمع‌گرایانه

1. Henry. Reeve
4. Auguste Comte
7. Davidson
10. Oyserman
13. Bond and Smith
16. Basabe and Ros

2. Alexis de Tocqueville
5. Saint Simonian
8. Markus and Kitayama
11. Coon and Kemmelmeier
14. Triandis and Diaz

3. Koen raad Swart
6. Claeys
9. Bachnik
12. Hofstede
15. Triandis

در بین دانشجویان و رابطه آن با گرایشهای دینی و اشکال بازانديشانۀ آن، به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ۵۱/۷ درصد افراد، فردگرا و ۴۸/۲ درصد، جمع‌گرا هستند، ۱۶ درصد افراد در موقعیتهای مختلف براساس فردگرایی عمودی یعنی جاه‌طلبی و رقابت و ۳۸/۸ درصد بر اساس فردگرایی افقی یعنی جدایی از جمع و گروه عمل می‌کنند. همچنین، در این تحقیق مشخص شده که جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری، ارتباطی معنادار دارد، اما مستقل از بازانديشی در دین عمل می‌نماید. فردگرایی با بعد تجربی دینداری، رابطه مثبت دارد، ولی با ابعاد اعتقادی و مناسکی و پیامدی، رابطه منفی دارد.

پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران، توسط محسنی تبریزی و صداقتی (۱۳۹۰) با هدف شناسایی چگونگی این پدیده و سنجش همبستگی آن با برخی متغیرهای مؤثر انجام گرفته است. نتایج آن حاکی از این است که بی تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر فردگرایی، التزام مدنی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی تغییر می‌کند. در این بررسی، فردگرایی به عنوان عامل مؤثر با بی تفاوتی اجتماعی رابطه داشته است.

«نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی (مطالعه موردی: دانشگاه شهید چمران اهواز)»، عنوان پژوهشی است که با هدف تبیین قانون‌گریزی انجام شده و به بررسی رابطه فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول به عنوان چهار ارزش فرهنگی برای موفق‌شدن، با قانون‌گریزی، پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول، بر قانون‌گریزی معنادار است (حیدری، ۱۳۹۱).

نتایج تحقیقاتی که در داخل ایران انجام گرفته است (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴؛ مفتخری، ۱۳۸۰؛ قانع‌راد، ۱۳۸۲؛ امینی، ۱۳۸۳؛ چلبی، ۱۳۸۱؛ معیدفر، ۱۳۸۰؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳؛ فرهنگی، ۱۳۷۷؛ نوروزی، ۱۳۷۵؛ محمدی‌شکیبا، ۱۳۷۹؛ بیات، ۱۳۷۲؛ قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸؛ نراقی، ۱۳۸۰)، نشان می‌دهد که سطح فردگرایی در جامعه ایران بالا

می‌باشد. به عبارتی، وضع کنونی جامعه ما به گونه ای است که افراد براساس تمایلات، نیازها و علایق فردی خودشان در جامعه رفتار می‌کنند و نوعی تکروی، منفعت‌طلبی و خودمحوری و به طور کلی فردگرایی منفی در جامعه گسترش یافته است (قانع‌راد، ۱۳۸۲) به نقل از (موحدی، ۱۳۸۵).

یکی از عواملی که می‌تواند میزان فردگرایی را کاهش دهد، افزایش اعتماد اجتماعی است؛ چراکه اعتماد پایه روابط عاطفی است. از سوی دیگر، افزایش همبستگی و تعلق جمعی، می‌تواند اعتماد اجتماعی را افزایش داده و در نتیجه میزان فردگرایی را کاهش دهد. چنانچه معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) نیز به بررسی تعلق اجتماعی در جریان روابط ظاهری، برای ایجاد همبستگی و تعهد و دگرخواهی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق خاطر به مای جمعی، سبب افزایش اعتماد تعمیم‌یافته در بین افراد می‌شود.

ابراهیمی لویه (۱۳۸۵) به بررسی «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار» پرداخته است. یافته‌های آن نشان داده که ۶۳/۵ درصد افراد، دارای اعتماد پایین، ۲۰/۵ درصد، دارای اعتماد متوسط و فقط ۱۶ درصد دارای اعتماد بالا بوده‌اند. از سوی دیگر، دگرخواهی و احساس تعلق جمعی، به عنوان یکی از متغیرهای مستقل، رابطه مثبتی با اعتماد اجتماعی داشته است؛ بدین صورت که با افزایش دگرخواهی افراد، میزان اعتماد اجتماعی بالا می‌رود.

در پژوهشی که معیدفر و دربندی (۱۳۸۵) با هدف بررسی و شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر جمع‌گرایی یا همکاری در دوره‌های اجتماعی انجام داده‌اند، مشخص شده است که متغیرهای اعتماد به همکاری دیگران، تعهد عام، خویش‌ن‌داری، دینداری، تمایل به همکاری، باور به زیانهای عدم همکاری، رضایت از زندگی، دریافت پیامهای متقاعدکننده و تجربه واکنش منفی دیگران بر جمع‌گرایی، مؤثرند.

اما بی‌اعتمادی به افراد و تهدید آمیز بودن روابط اجتماعی، می‌تواند باعث منفعت‌طلبی،

خودخواهی و فردیت‌طلبی شود که همه اینها ناشی از شرایط اجتماعی موجود و نحوه تفسیر فرد از آن شرایط می‌باشد. شرایط نامناسب موجود در جامعه ایران، باعث شکل‌گیری ادراک منفی افراد از وضعیت و افزایش حس بی‌اعتمادی در آنان شده است. چنانکه نتایج تحقیقات متعدد نیز رشد معضل بی‌اعتمادی به‌خصوص کاهش اعتماد تعمیم‌یافته را، در جامعه ایران اعلام داشته‌اند (ساعی، ۱۳۸۹؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۳؛ چلبی، ۱۳۸۱؛ عنایت و همکاران، ۱۳۹۱؛ ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۵؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۹؛ غفاری، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰؛ حبیبی، ۱۳۷۷؛ پیمایش‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴؛ سنجش سرمایه اجتماعی سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۵ و پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، ۱۳۸۴).

در بررسی تحقیقات داخلی پیشین مشخص شد که تاکنون تحقیق کامل و جامعی درباره فردگرایی در ایران انجام نشده است. شکبیا و دیگران (۱۳۹۰) معتقدند که پژوهش‌های انگشت شماری در حیطه جمع‌گرایی و فردگرایی در ایران انجام گرفته است که دلیل اصلی آن، نبود ابزار قابل اعتماد و پایاست. بدین منظور، آنان به بررسی روایی سازه مقیاس جمع‌گرایی و فردگرایی (AICS) اوکلند پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان داده که این مقیاس، قابلیت کاربرد در پژوهش‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی در ایران را، دارد. بدین منظور، مقیاس ۳۰ سؤالی اوکلند را طراحی کرده‌اند که عامل نصیحت‌پذیری، هماهنگی و احساس نزدیکی با دیگران را برای جمع‌گرایی و منحصر به فرد بودن، مسئولیت‌پذیری و رقابت‌جویی را برای فردگرایی، می‌سنجد.

اکثر تحقیقات انجام شده در داخل، با هدف توصیف فردگرایی و نقطه مقابل آن یعنی جمع‌گرایی، انجام شده‌است و یا به بررسی فردگرایی به عنوان یک عامل مؤثر بر متغیر وابسته پرداخته‌اند و کمتر تحقیقی به تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر فردگرایی پرداخته است. به‌طورکلی در تحقیقات داخلی، به موضوع اصلی که در پژوهش حاضر مهم می‌نماید، توجه نشده است.

چارچوب نظری

۱- نظریه‌های فردگرایی

فردگرایی افراطی یا آنی را می‌توان با یک رویکرد ترکیبی از رویکردهایی که بر خیر جمعی و عمل اخلاقی (شناختی و عاطفی) تأکید دارند و رویکردهایی که عمل عقلانی را مورد توجه قرار داده‌اند، تبیین کرد. مطابق با این رویکرد، در فرایندهای انتخاب عقلانی، افراد به نوعی «عقلانیت اجتماعی»، می‌رسند که بر این اساس در محدوده شناخت خود و با جهت‌گیریهای اخذشده از هنجارها و ارزشها و در چارچوب ساختارهای اجتماعی، هنگام مواجهه با یک موقعیت متعارض، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که برایشان بیشترین نفع را به دنبال داشته باشد. بر این اساس، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیتهایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم می‌کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند. اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه‌ای است که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او (و کنثیری دیگر از کنش‌گران عاقل)، نتیجه‌ای را به دنبال دارد که به زیان همگانی (ازجمله کنش‌گران عاقل) است و این، همان قرارگرفتن فرد در دوراهی اجتماعی است (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴).

ازجمله کلمن (۱۹۶۴) براساس نظریه انتخاب عقلانی، انسان را موجودی منفعت‌جو می‌داند که برای افزایش منافعش دست به محاسبه عقلانی می‌زند (ایمان و غفاری نسب، ۱۳۹۱). کلمن، کنش‌گران را عاملانی هدفمند در نظر می‌گیرد که به آن کنشی اقدام می‌کنند که احتمال موفقیت در آن بیشتر باشد و در این راه، محاسبه سود و زیان خود را می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷).

طبق نظریه کنش اجتماعی وبر نیز، آن نوع رابطه اجتماعی که حاصل کنش اجتماعی متکی بر احساس درونی (عاطفه و سنت) افرادی باشد که دارای احساس تعلق به یکدیگرند، تأنسی است؛ مثل الفت ملی. ولی اگر جهت‌گیری کنش، متکی بر تجانس منافع یا وفاق انگیزه از

تعقل (ارزشهای عقلانی و مصلحت فردی) باشد، رابطهٔ تأسیسی شکل می‌گیرد (وبر، ۱۳۷۴).

پارسونز نیز در نظریه کنش خود یکی از متغیرهای کنش اجتماعی را که به صورت الگویی عام، معرفی می‌کند، منافع جمعی در برابر منافع فردی است (کرایب، ۱۳۸۲؛ محمدی اصل، ۱۳۸) که طبق آن، «کنش‌گر می‌تواند برحسب اهدافی که کاملاً شخصی و پاسخگوی منافع خصوصی او هستند؛ انتخاب و عمل کند و یا برحسب اهداف و منافعی که در آن با دیگر عمل‌کننده‌ها مشترک و یا جمعی که بدان تعلق دارد، عمل نماید، در این صورت او به نفع جماعت انتخاب نموده است» (روشه، ۱۳۷۴).

در نظریهٔ مبادله و عدالت توزیعی هومنز، اساس کنش افراد را نفع و سود شخصی تشکیل می‌دهد (توسلی، ۱۳۶۹). در این نظریه، انسان از یک سو در جست‌وجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی کاستن هزینه‌ها به حداقل است (هومنز، ۱۳۸۸).

براساس نظریه‌های انتخاب عقلانی و مبادله، فرد، آن چیزی را انتخاب می‌کند که بیشترین رضایت خاطر و منفعت را برایش به همراه داشته باشد و در جریان این انتخاب، آرزوها و عقاید فرد، دلایلی برای کنش او خواهند بود.

جامعه‌شناسان، فردگرایی را دارای ابعاد مثبت و منفی می‌دانند. فردگرایی مثبت که افرادی چون دورکیم، دوتوکویل و مرتون به آن توجه داشته‌اند، معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس، استقلال فردی، خوداثربخشی و احترام به فرد است. فردگرایی منفی که افرادی چون تونیس و رایزمن به آن توجه داشته‌اند، معطوف به خودمداری، کسب سود شخصی به قیمت متضررشدن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا می‌باشد. این دو وجه را تحت عنوان «فردگرایی بیان‌گرا» و «فردگرایی سودگرایانه» نامگذاری کرده‌اند (میرزایی، ۱۳۸۰؛ موحدی، ۱۳۸۶).

دورکیم فردگرایی افراطی مذموم را حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و ناشی از خودخواهی می‌داند و آن را ترجیح منافع فردی و گروهی بر جمعی دانسته و فردگرایی

ناشی از تقسیم کار را پدیده جمعی و مبنای اخلاق و همبستگی در جوامع جدید می‌داند (دورکیم ۱۳۷۸؛ گیدنز، ۱۳۷۸).

در فردگرایی مثبت، به همان اندازه که نیازها و مصالح فردی (من) مهم است، نیازها و مصالح دیگران (ما) نیز مهم است، ولی در نوع منفی اهداف شخصی مهمتر از مصالح جمعی است. دویچ^۱ (۱۹۴۹، ۱۹۶۲) فردگرایی را براساس اهداف فرد در ارتباط با دیگران و گروهها، بدین صورت بیان می‌کند: «اگر اهداف فرد، مثبت [موافق گروه] باشد، رابطه براساس همکاری و اگر منفی [در تقابل با گروه]، باشد، رابطه براساس رقابت و مسابقه و اگر اهداف فرد با اهداف گروه در ارتباط نباشد، نوع ارتباط براساس فردگرایی شکل می‌گیرد (تریانیدیس و همکاران، ۱۹۸۸). همچنین تجزیه و تحلیل اویزر من، کون و کمل می‌یر (۲۰۰۲) نشان داد که جنبه‌های اصلی عقاید فردگرایی، استقلال و یگانگی فردی، با تأکید بر رقابت و موفقیت شخصی و نگرشهای درونی فرد در مقابل با نظرات دیگر مردم است (باساب و روز، ۲۰۰۵). هافستید (۱۹۸۴) پیامدهای فردگرایی را چنین فهرست می‌کند:

- علایق و نیازها و اهداف فردی ترجیح دارند.
- ارزشها و هنجارها، مبنای فردی دارند.
- کسب لذت فردی در اولویت است.
- باورهای فردی متمایزکننده فرد از گروه است.
- استقلال و هویت فردی اهمیت دارند.
- راهبردهای مستقیم و مواجهه رو در رو ترجیح دارد.
- ارتباط بین اعضاء متکی به افراد است، رابطه اعضاء با فاصله زیاد صورت می‌گیرد.
- روابط اجتماعی در بین اعضاء، داوطلبانه بوده و اندازه گروه کوچک تر است.
- ورود و خروج به گروه، به راحتی صورت می‌گیرد.

- دوستیها رنگ کمتری داشته و وفاداری به گروه و شخص دیگر، کمتر است (هوستند و بوند، ۱۹۸۴؛ حسین پور، ۲۰۰۵).

۲- نظریه‌های اعتماد

اعتماد اجتماعی، از جمله مهم‌ترین شاخصهای سرمایه اجتماعی است که نقش کلیدی در تعاملات سازنده ایفا می‌کند. نظریه پردازانی چون پانتام^۱ (۱۹۹۲)، فوکویاما^۲ (۱۹۹۵)، کلمن^۳ (۱۹۹۴)، باربر^۴ (۱۹۸۳)، زتومکا^۵ (۱۹۹۹)، گیدنز^۶ (۱۹۹۲)، بوردیو^۷ (۱۹۸۶)، ریتزر^۸ (۱۹۹۶)، ترنر^۹ (۲۰۰۰) و لومان^{۱۰} (۱۹۹۷)، هر کدام به نحوی اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. از نظر گیدنز، «ارتباط ناب، تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس خود ارتباط، حاصل می‌شود. ارتباط ناب، مستلزم تعهد پیشینی است که نوع ویژه ای از اعتماد شمرده می‌شود. منظور تعهد به نفس، ارتباط و همچنین به شخص یا اشخاص دیگر است. تقاضای صمیمیت، جزء تفکیک ناپذیر ارتباط ناب است که خود، نتیجه همان اعتماد است» (گیدنز، ۱۳۸۲). «اعتماد، ریشه در وابستگی عاطفی دارد. هرگاه عواطف، زمینه رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد، ایجاد و تقویت می‌گردد. در ارتباط با چگونگی انتقال عواطف، او معتقد است، تعاملات اظهاری یا روابط گرم در این زمینه نقش کلیدی دارند. تعاملات اظهاری برخلاف تعاملات ابزاری، حامل عواطف، دوستی و صمیمیت و اعتماد می‌باشند. روابط ابزاری، با هدف تأمین منافع شخصی انجام می‌گیرد» (چلبی، ۱۳۷۵).

«زیمل»، با طرح مبادله و بیان منافع پشت سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او، بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر، ضمن تأکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد بود، منافع،

1. Putnam
4. Barber
7. Bourdieu
10. Luhman

2. Fukuyama
5. Sztompka
8. Ritzier

3. Coleman
6. Giddens
9. Turner

موتور کنش هستند و اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه، ایجاد و مستحکم شود (ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵).

از نظر باربر، اعتماد می‌تواند ابعاد متفاوتی به شرح ذیل داشته باشد:

(الف) اعتماد به صداقت و درستی، پایبندی بر اصول اخلاقی

(ب) اعتماد به کارایی و کارآمدی یا توانایی اجرای وظایف محوله نقش

(ج) ترجیح منافع جمعی به منافع فردی (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸).

مشخص شد که عاطفه و وابستگی، باعث اعتماد بیشتر شده و اعتماد، اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی بین مردم است و نبود اعتماد اجتماعی، باعث کاهش حس تعلق اجتماعی و تضعیف اعتماد، باعث فردگرایی می‌شود.

آنچه در پژوهش حاضر مد نظر است، ترکیبی از نظریات ذکرشده (کنش، مبادله و انتخاب عقلانی) است که از یک طرف برای مشخص کردن میزان فردگرایی در فرد، به عنوان متغیر وابسته و از سوی دیگر، در پرداختن به اعتماد اجتماعی، که به عنوان متغیر مستقل می‌تواند بر فردگرایی مؤثر باشد. در این پژوهش، با تأکید بیشتر به نظریه انتخاب عقلانی، همه نظریات مدنظر قرار گرفته است. بنابراین، در این پژوهش با استفاده از یک دیدگاه ترکیبی، فردگرایی، حاصل تفسیر فرد از شرایط اجتماعی و اصل انتخاب عقلانی او با توجه به در نظر گرفتن شرایط اجتماعی است که مطابق با آن، در روابط مبتنی بر محاسبات عقلانی افراد به دلیل کاهش عواطف جمعی، مصلحت خود بر جمع را ترجیح داده و بدین نحو فردگرایی منفی در جامعه افزایش می‌یابد؛ چراکه طبق دیدگاه مبادله و انتخاب عقلانی، فرد آن چیزی را بر می‌گزیند که برایش بیشترین سود و کمترین هزینه را در پی داشته باشد. یعنی اگر افراد، شرایط اجتماعی را به نحوی تلقی کنند که باید از شرایط به نفع خود بهره ببرند، خودخواهی و منفعت‌طلبی آنان بیشتر خواهد شد. مثلاً اگر مردم احساس کنند دیگران در جریان کنش، به نفع خود گام بر می‌دارند، آنها نیز چنین خواهند کرد. در این

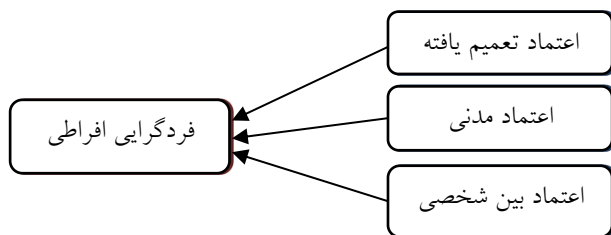
جریان، فرد، کنش ابزاری خود را افزایش داده و به مرور زمان دلبستگی به مای جمعی را از دست خواهد داد. بنابراین، شرایط نابسامان اجتماعی و تفسیر منفی فرد از کنش خود و دیگران، می‌تواند فردگرایی افراطی را افزایش دهد.

از سوی دیگر در تحقیق حاضر، اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر فردگرایی در نظر گرفته شده است. طبق نظر گیدنز، اعتماد اجتماعی پایه روابط جمعی بوده و تقویت عواطف جمعی را به همراه دارد. بنابراین زمینه اجتماعی باید به نحوی باشد که اعتماد اجتماعی را تقویت کند. بدین ترتیب که فرد بتواند در تعاملات خود به هموطنان و مسئولان جامعه اعتماد کند و احساس اطمینان خاطر از زندگی کردن با دیگران داشته باشد و طبق نظریه مبادله و انتخاب عقلانی، احساس ضرر و زیان نکند، زیرا اگر مردم شرایط را به نفع خود ندیده و در شرایط بی‌اعتمادی زندگی کنند، به عواطف جمعی خدشه وارد شده و تعلق کاهش می‌یابد و افراد به سمت خودخواهی سوق داده خواهند شد و چگونه می‌شود افرادی که به هم اعتماد ندارند، به یکدیگر دلبستگی و وفاداری داشته باشند؟

روش

ماهیت و نوع پژوهش

تحقیق حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، انجام شده که از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول: سؤالات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و بخش دوم: سؤالاتی در قالب طیف لیکرت درباره میزان فردگرایی و میزان اعتماد اجتماعی بوده است.



شکل (۱) مدل نظری تحقیق مبنی بر تأثیر اعتماد بر فردگرایی افراطی

جامعه آماری و جمعیت نمونه

در این پژوهش، جامعه آماری، افراد ۲۰ سال به بالای شهر مشهد در سال ۱۳۹۰ با جمعیتی معادل ۱۵۳۰۸۲۷ نفر بوده‌اند و حجم نمونه تحقیق حاضر پس از قراردادن مقادیر معلوم در فرمول کوکران^۱، ۳۸۴ نفر محاسبه و تعیین گردیده است.

برای تخصیص حجم نمونه، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در این روش، ابتدا نواحی ۴۰ گانه در ۱۳ منطقه شهر مشهد در نظر گرفته شده و سپس برای این‌که بتوان نمونه‌ای معرف‌تر به دست آورد، طبق تحقیقات قبلی (یوسفی، ۱۳۸۸)، نواحی مختلف در ۵ خوشه تقسیم‌بندی شده که از هر خوشه ۲ ناحیه و سپس در هر ناحیه دو بلوک و از هر بلوک تعدادی خانواده و سپس از هر خانواده یک نفر بالای ۲۰ سال، به طور تصادفی انتخاب شده است.

سنجه‌ها

فردگرایی افراطی: در پژوهش حاضر، فردگرایی، نقطه مقابل دگرخواهی است که با

1. Cochran

۲. یوسفی در تحقیق خود مردم مشهد را براساس محل سکونت در ۵ خوشه و به عبارت دیگر ۵ طبقه اجتماعی به ترتیب زیر قرار داده است (خوشه ۱ طبقه بالای بالا، خوشه ۲ بالا، خوشه ۳ متوسط، خوشه ۴ پایین، خوشه ۵ پایین پایین) که از این تقسیم‌بندی در تحقیق حاضر استفاده شده است.

افزایش حس سودجویی و محاسبه‌گری افراد، همراه بوده و باعث افزایش خودخواهی و ترجیح ارزشها و باورها و منافع شخصی بر جمعی می‌شود.

اعتماد اجتماعی: «اعتماد، یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبین میزان ارزیابی از پدیده ای است که با آن مواجه‌ایم. به عبارت دیگر، اعتماد، احساسی است که فرد یا افراد درباره چیزی تأییدشده دارند» (عباس‌زاده، ۱۳۸۳)

«اعتماد اجتماعی، بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰). اما در پژوهش حاضر، اعتماد اجتماعی یعنی حس اطمینان خاطر نسبت به صداقت و درستی کنش‌گران در پندار و گفتار و کردارشان که فرد در تعاملات اجتماعی به آن نیاز دارد.

گیدنز، انواع اعتماد را بدین صورت بیان کرده است: اعتماد بنیادین که جهت‌گیری عاطفی - شناختی به سوی دیگران است. اعتماد بین‌فردی، اعتماد به افراد آشنا و افرادی که در روابط رودر رو می‌شناسیم، است. اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به افرادی که نمی‌شناسیم، می‌باشد و اعتماد نهادی یعنی اعتماد به سازمانها، نهادها و افراد حقوقی. (ساعی، ۱۳۸۹؛ گیدنز، ۱۳۸۰؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰). اعتماد مدنی را، می‌توان اعتماد به صحت تصویب و اجرای قوانین و درستکاری و صداقت مسئولان و نهادهای اجرایی دانست که گیدنز آن را در بحث اعتماد نهادی مطرح کرده است. در تحقیق حاضر باتوجه به تقسیم‌بندی گیدنز، اعتماد اجتماعی در سه بُعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد مدنی و اعتماد تعمیم‌یافته مطرح شده است.

جدول (۱) تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر	متغیرها	تعریف عملیاتی (معرف)	نظریه‌های مد نظر در استخراج معرف‌ها
وابسته	اعتماد بین‌شخصی	اعتماد به دوستان و نزدیکان و خویشاوندان و همکاران و آشنایان	باربر، گیدنز، زیمل، وبر، چلبی
	اعتماد مدنی	اعتماد به: صحت و اجرای تصمیمات و قوانین دولتی، صداقت گفتاری و کرداری مسئولان، درستکاری و صداقت مسئولان در توجه به خواسته‌های مردم	
	اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد به صداقت غریبه‌ها و مردم در امور اجتماعی	
مستقل	فردگرایی افراطی	کسب سود و منفعت، میل به رقابت با دیگران، ترجیح علایق و ارزشهای فردی بر جمعی، استفاده از کارهای غیرقانونی برای کسب سود مثل پارتی‌بازی و رشوه‌خواری برای کسب موفقیت	هومنز، تونیس، رایزمن، هافستید، کلمن، پارسونز، وبر
	زمینه‌ای	جنس، سن، تاهل، قومیت، تحصیلات، درآمد، وضع اشتغال، نوع شغل، طبقه اجتماعی	

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

روایی پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر، تضمین گردیده است. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده، به همراه چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش، در اختیار استادان قرار داده شد و نظر آنها در تدوین نهایی پرسشنامه، مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پایایی، ابزار اندازه‌گیری نیز، از آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد که آلفای حاصله بدین صورت بوده است.

1. Cronbach's Alpha

جدول (۲) برآورد آلفای کرونباخ برای شاخصهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	M	SD	α
اعتماد بین شخصی	۳	۷/۲	۳/۱	۰/۷۰
اعتماد مدنی	۵	۱۲/۴	۵/۱	۰/۷۷
اعتماد تعمیم یافته	۳	۴/۹	۲/۹	۰/۶۳
فردگرایی افراطی	۳	۷/۱	۳/۸	۰/۸۴

یافته‌ها

توصیف داده‌ها

۱- یافته‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای

میانگین سن پاسخگویان ۳۴ سال بوده و بیشتر آنها ۳۷ سال سن داشته‌اند. میانگین درآمد پاسخگویان ۱۷۵۱ میلیون تومان بوده است. درآمد نیمی از پاسخگویان کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و نیمی، بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان بوده است، زنان ۵۰/۳ درصد و مردان ۴۹/۷ درصد جمعیت پاسخگویان را تشکیل داده‌اند، فارسها با ۸۰ درصد، بیشترین پاسخگویان بوده‌اند و ۷/۸، ۵/۲، ۳/۵ و ۳/۵ درصد پاسخگویان به ترتیب شامل کردها، بلوچها، ترکها و لرها بوده‌اند. متأهلین با ۷۵ درصد، افرادی که تحصیلات سیکل و زیر دیپلم داشته‌اند، ۲۸ درصد، شاغلین با ۷۱ درصد، دارندگان شغل آزاد با ۵۰ درصد و افراد خوشه ۴ (طبقه پایین پایین) با ۲۳/۲ درصد، بیشترین تعداد پاسخگویان را نسبت به دیگران تشکیل داده‌اند.

۲- یافته‌های مربوط به شاخصهای تحقیق

باتوجه به نتایج جدول (۳)، میانگین «اعتماد اجتماعی» ۲ و میانگین ابعاد آن در «اعتماد بین شخصی» ۲/۴، «اعتماد مدنی» ۲/۳، «اعتماد تعمیم یافته» ۱/۶ بود و میانگین متغیر وابسته «فردگرایی افراطی» نیز ۲/۶ از ۵ بوده است.

جدول (۳) توصیف آماری متغیرهای اصلی

Max	Min	SD	M	داده		متغیر
				معتبر	گمشده	
۵	۱	۱	۲	۳۷۱	۱۳	اعتماد اجتماعی
۵	۱	۱/۳۳	۲/۶۸	۳۷۹	۵	فردگرایی افراطی
۵	۱	۰/۸۰	۱/۶۳	۳۶۹	۱۵	اعتماد تعمیم یافته
۵	۱	۱/۱۸	۲/۴۲	۳۷۳	۱۱	اعتماد بین شخصی
۵	۱	۱/۲۰	۲/۳۴	۳۷۰	۱۴	اعتماد مدنی

جدول (۴) توصیف پاسخگویان برحسب متغیر اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی

متغیر	داده‌ها	میزان	f	%	% معتبر	% تجمعی
اعتماد اجتماعی	معتبر	خیلی پایین	۱۱۱	۲۸/۹	۲۹/۹	۲۹/۹
		پایین	۱۹۹	۵۱/۸	۵۳/۶	۸۳/۶
		متوسط	۳۲	۸/۳	۸/۶	۹۲/۲
		بالا	۷	۱/۸	۱/۸	۹۴/۱
		خیلی بالا	۲۲	۵/۷	۵/۹	۱۰۰
		جمع کل	۳۷۱	۹۶/۵	-	-
فردگرایی افراطی	معتبر	بی جواب	۱۳	۳/۵	-	-
		جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	-	-
		خیلی پایین	۸۶	۲۲/۴	۲۲/۷	۲۲/۷
		پایین	۱۰۴	۲۷/۱	۲۷/۴	۵۰/۱
		متوسط	۸۶	۲۲/۴	۲۲/۷	۷۲/۸
		بالا	۵۰	۱۳	۱۳/۲	۸۶
	خیلی بالا	۵۳	۱۳/۸	۱۴	۱۰۰	
گمشده	جمع کل	بی جواب	۳۷۹	۹۸/۷	۱۰۰	-
		جمع کل	۵	۱/۳	-	-
		جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	-	-

جدول (۵) رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و فردگرایی

فرضیه‌ها	r, t, F	p
بین سن و فردگرایی افراد رابطه وجود دارد.	-۰/۲۶۵*	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب تأهل متفاوت است.	۱۳/۳۹۹***	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب تحصیلات متفاوت است.	۸/۴۹۰***	<۰/۰۰۱
فردگرایی برحسب طبقه اجتماعی متفاوت است.	۱۰/۹۵۳***	۰/۰۰۹
بین درآمد و فردگرایی رابطه مثبت وجود دارد.	۰/۶۸۸*	۰/۰۲۶
فردگرایی برحسب جنسیت متفاوت است.	۱/۰۵۶**	۰/۳۰۵
فردگرایی برحسب نوع شغل متفاوت است.	۰/۰۹۱**	۰/۹۱۳
فردگرایی برحسب قومیت متفاوت است.	۱/۵۴۷**	۰/۱۸۸
فردگرایی برحسب وضع اشتغال متفاوت است.	۱/۲۱۵**	۰/۲۷۱

F=*** t=** r=*

به عبارتی دیگر، در مجموع، میزان فردگرایی افراطی در ۵۰/۱ درصد پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی در ۸۳/۶ درصد پاسخگویان در حد پایین و پایین پایین بوده است (جدول ۴).

تحلیل داده‌ها

۱- آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و فردگرایی

باتوجه به مقادیر آماری مربوط به رابطه متغیرهای مستقل زمینه‌ای در جدول ۵: متغیرهای «درآمد»، «جنسیت»، «قومیت»، «وضع اشتغال»، «نوع شغل» با «فردگرایی افراطی» رابطه نداشته و فرضیه‌های مربوطه تأیید نشده‌اند، اما متغیرهای «سن»، «تأهل»، «تحصیلات» و «طبقه اجتماعی» با فردگرایی افراطی رابطه داشته‌اند که در این بین، رابطه سن با فردگرایی منفی است؛ بدین معنا که با افزایش سن، میزان فردگرایی در افراد کاهش می‌یابد.

جدول (۶) مقایسه میانگینهای متغیرهای زمینه‌ای

متغیر مستقل	مؤلفه	n	M	SD	F	df	p
وضعیت تأهل	مجرد	۹۳	۸/۹۲	۴/۴۵	۱۳/۳۹۹	۳۷۶	<۰/۰۰۱
	متاهل	۲۸۲	۶/۶۰	۳/۵۱			
	مطلقه	۴	۷/۰۰	۰/۰۰			
طبقه اجتماعی	بالای بالا	۷۵	۷/۵۳	۴/۲۸	۱۰/۹۵۳	۳۷۸	<۰/۰۱
	بالا	۸۲	۷/۰۴	۳/۷۷			
	متوسط	۵۷	۹/۸۲	۳/۵۳			
	پایین	۸۹	۶/۴۶	۳/۴۷			
	پایین پایین	۷۶	۵/۸۳	۳/۲۸			
تحصیلات	بیسواد	۲۴	۵/۵۰	۳/۵۰	۸/۴۹۰	۳۶۹	<۰/۰۰۱
	سیکل وزیر دیپلم	۱۰۵	۶/۱۳	۳/۵۷			
	دیپلم	۹۳	۶/۸۸	۳/۳۴			
	فوق دیپلم	۸	۱۱/۵۰	۶/۴۸			
	لیسانس	۹۴	۸/۶۳	۳/۹۱			
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۶	۸/۱۳	۳/۵۹			

باتوجه به جدول (۶)، از نظر فردگرایی، مجردها با میانگین ۸/۹۴۲۷ بیشترین میزان فردگرایی را نسبت به افراد متأهل و مطلقه داشته‌اند، دارندگان مدرک فوق دیپلم با میانگین ۱۱/۵۰، بیشترین میزان فردگرایی را نسبت به گروههای دیگر داشته‌اند. طبقه اجتماعی متوسط با میانگین ۹/۸۲۴۶، بیشترین میزان فردگرایی را داشته‌اند.

جدول (۷) همبستگی بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن و فردگرایی افراطی

متغیر	فردگرایی افراطی	اعتماد اجتماعی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد مدنی	اعتماد بین شخصی
فردگرایی افراطی	۱				
اعتماد اجتماعی	۰/۵۹۱**	۱			
اعتماد تعمیم یافته	۰/۲۹۰**	۰/۶۲۶**	۱		
اعتماد مدنی	۰/۵۸۱**	۰/۸۰۲**	۰/۲۷۱**	۱	
اعتماد بین شخصی	۰/۱۸۴**	۰/۴۷۲**	۰/۰۹۱**	۰/۰۳۰**	۱

** $p < 0/01$

۲- آزمون رابطه بین اعتماد و ابعاد آن با فردگرایی افراطی

براساس نتایج جدول (۷)، بین برخی از ابعاد اعتماد اجتماعی با همدیگر و بین اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد آن با فردگرایی افراطی، رابطه وجود دارد. طبق این نتایج، بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی ($r = -0/591$, $p < 0/001$)، اعتماد مدنی و فردگرایی افراطی ($r = -0/581$, $p < 0/001$)، اعتماد تعمیم یافته و فردگرایی افراطی ($r = -0/290$, $p < 0/001$) و اعتماد بین شخصی و فردگرایی افراطی ($r = -0/184$, $p < 0/001$) رابطه منفی وجود دارد. یعنی هرچه اعتماد اجتماعی (اعم از مدنی، تعمیم یافته و بین شخصی) کاهش می یابد، فردگرایی افراطی افزایش می یابد.

۳- تحلیل رگرسیونی پیش بینی کننده های فردگرایی افراطی

برای بررسی تغییرات همزمان متغیرها بر فردگرایی، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. از متغیرهای وارد شده در آزمون، متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و سن، در مدل باقی مانده اند که در گام

جدول (۸) خلاصه رگرسیون چندمتغیره برای متغیرهای پیش‌بینی‌کننده فردگرایی افراطی

متغیرهای مستقل	B	SES	Beta	t	p
اعتماد مدنی	-۰/۴۹۱	۰/۰۳۰	-۰/۶۳۹	۱۶/۵۰۵	<۰/۰۰۱
میزان تحصیلات	۰/۴۰۶	۰/۰۹۴	۰/۱۸۰	۴/۶۲۵	<۰/۰۰۱
طبقه اجتماعی	۰/۴۰۲	۰/۱۰۲	۰/۱۷۰	۴/۳۱۸	<۰/۰۰۱
اعتماد بین‌شخصی	-۰/۱۵۸	۰/۰۴۶	-۰/۱۲۸	۳/۴۲۲	<۰/۰۱
اعتماد تعمیم‌یافته	-۰/۱۲۶	۰/۰۵۱	-۰/۰۹۹	۲/۴۹۹	<۰/۰۵
سن	-۰/۰۳۴	۰/۰۱۴	-۰/۰۹۶	۲/۴۹۰	<۰/۰۵

$R=۰/۷۳۰$ $r^2 = ۰/۵۳۳$ $r^2_{adj.} = ۰/۵۲۵$ $F = ۳۱۲/۷۱۷$ $p < ۰/۰۰۱$
 عدد ثابت = ۱۶/۸۷۲

ششم، مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برای پیش‌بینی متغیر فردگرایی از روی متغیرهای باقیمانده در مدل، برابر با ۰/۷۳۰ و ضریب تعیین (r^2) برابر با ۰/۵۳۳ بوده است. به این معنا که از روی این متغیرها می‌توان تا حدود ۵۳ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته، یعنی فردگرایی را پیش‌بینی کرد.

همچنین، براساس نتایج جدول (۸) و مقایسه میزان Beta، می‌توان نتیجه گرفت که سهم نسبی تأثیر اعتماد مدنی بر میزان فردگرایی با ضریب -۰/۶۳، بیشتر از دیگر متغیرها بوده است و پس از آن میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، به ترتیب با ضریب تعیین ۰/۱۷، ۰/۱۸، -۰/۱۲، -۰/۰۹، -۰/۰۹ در مراتب بعدی تأثیر گذاری قرار گرفته‌اند.

بحث

یافته‌های تحقیق نشان داده که فردگرایی افراطی در جامعه، به میزان ۲/۶ از نمره ۵ بوده است. چنانچه این مقدار را از نمره ۵ یعنی حد ماکسیمم فردگرایی، کم کنیم، نمره‌ای معادل ۲/۴ به دست می‌آید که این، به معنای میزان عدم فردگرایی است. این امر بدان معناست که میزان فردگرایی در جامعه در حد متوسط بوده است. نتایج پژوهش حاضر همخوان با یافته‌های اعظم آزاده و توکلی (۱۳۸۶) است که نشان دادند میزان فردگرایی در جامعه ایران ۵۱/۷ درصد بوده است. همچنین حیدری (۱۳۹۱)، میانگین فردگرایی را به عنوان یکی از ابعاد از هم‌گسیختگی نهادی در جامعه ایران ۲/۷۳ از ۵ اعلام داشته است. اما معیدفرد (۱۳۸۰) و کیانی و لطیفی (فرهنگی، ۱۳۷۷) در بررسی‌های خود، ایران را در ردیف کشورهای فردگرا قرار داده‌اند (موحدی، ۱۳۸۵).

در پی بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر فردگرایی افراطی، نتایج آزمون‌ها نشان داد که: فعلاً متغیرهای مستقل «سن»، «تأهل»، «طبقه اجتماعی» و «تحصیلات» با فردگرایی افراطی، رابطه داشته و رابطه متغیرهای مستقل «جنسیت»، «قومیت»، «اشتغال»، «نوع شغل» و «درآمد» با آن معنادار نیست. بدین نحو که فردگرایی افراطی در بین مجردها، افراد با تحصیلات بالاتر و افراد مربوط به طبقه متوسط و طبقات رو به بالا، نسبت به دیگران بیشتر بوده است. همچنین با افزایش سن، میزان فردگرایی افراطی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر افراط‌گرایی منفی در بین جوانان بیشتر بوده است.

اما در مورد فرضیه اصلی تحقیق، یعنی رابطه بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی، نتایج نشان داد که رابطه بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی، معکوس است. به این ترتیب که با کاهش اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی افزایش می‌یابد. چنان که نتیجه تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد، متغیرهای اعتماد مدنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، در مدل نهایی آزمون رگرسیونی ۵۳ درصد از کل تغییرات

فردگرایی افراط‌گرایی را، تبیین کرده‌اند. اما از میان ابعاد اعتماد اجتماعی، «اعتماد مدنی» با بنای ۰/۶۳-، بیشترین تأثیر را بر فردگرایی داشته است و سپس میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و سن، به ترتیب با ضریب ۰/۱۷، ۰/۱۸، ۰/۱۲-، ۰/۰۹-، ۰/۰۹-، در مراتب بعدی تأثیرگذاری قرار داشته‌اند. بدین ترتیب، مبانی نظری تحقیق نیز تأیید شده است، چنانچه در نظریه مبادله، رابطه اجتماعی مسلط در جوامع مدرن، مبادله است و از آنجا که یکی از مهمترین شرایط مبادله، اعتماد است، بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه، تجزیه شده و عدم اعتماد در جامعه باعث گسترش منفعت‌طلبی و خودخواهی خواهد شد.

از سوی دیگر، میزان اعتماد افراد به نزدیکان و آشنایان، اعتماد به ساختار سیاسی و مدنی جامعه و اعتماد به غریبه‌ها و دیگر مردم به ترتیب با میانگین ۲/۴، ۲/۳ و ۱/۶ از ۵، نشان‌دهنده کاهش اعتماد مردم در همه سطوح زندگی اجتماعی بوده و مهمترین عامل تقویت فردگرایی، منفی بوده است.

از آنجا که میزان اعتماد تعمیم‌یافته به مراتب پایین‌تر از اعتماد مدنی و بین‌شخصی بوده است، بدین معناست که افراد به درستی و صداقت هموطنان شان در گفتار و کردار اعتقادی نداشته و نسبت به روابط اجتماعی با آنان احساس مثبتی نداشته‌اند. همچنین، میزان اعتماد افراد به ساختار سیاسی و مدنی جامعه، نشان‌دهنده کاهش اعتماد مردم نسبت به مسئولین، در صحت تصویب و اجرای قوانین می‌باشد و با توجه به پایین بودن میزان اعتماد بین‌شخصی، می‌توان گفت که بی‌اعتمادی حتی به روابط و تعاملات با افراد نزدیک‌تر مثل خویشاوندان، دوستان و همکاران نیز رسوخ پیدا کرده است. می‌توان پیش‌بینی کرد که با تداوم شرایط نامناسب اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی، افزایش جهت‌گیریهای فردگرایانه در جامعه رو به افزایش خواهد بود. نتایج تحقیق حاضر، هم راستا با نتایج پژوهش‌های کتابی و دیگران (۱۳۸۹)، ابراهیمی (۱۳۸۵)، حیدرآبادی (۱۳۸۹) عنایت و دیگران (۱۳۹۱)، محسنی تبریزی و

دیگران (۱۳۹۰) و معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) که حاکی از کاهش میزان اعتماد، به‌خصوص در بُعد اعتماد تعمیم‌یافته است، می‌باشد.

باتوجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار جامعه به گونه‌ای بوده که نتوانسته از مردم جلب اعتماد کند. به عبارتی، زمینه بی‌اعتمادی در بستر جامعه نهفته است و خود جامعه، شرایط انقباض اعتماد اجتماعی را فراهم کرده است. در نتیجه، ضعف و نارسایی در ساختار نامناسب جامعه، این بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. در توضیح آن می‌توان گفت که شرایط جامعه و عملکرد نهادهای آن برای پاسخگویی به انتظارات مردم بسیار ضعیف بوده و نتیجه اینها، گسترش بی‌اعتمادی و در نهایت نوعی فردگرایی منفی نیز در جامعه بوده، به گونه‌ای که فرد به دلیل وجود شرایط اجتماعی نامطلوب، سعی می‌کند در تعارض نفع جمعی با نفع فردی، نفع خود را برگزیند، حتی اگر به دیگران و جامعه آسیب برساند.

پیشنهادها

۱- نهادها و مسئولین نظام با درست‌کاری در اجرای قوانین، در جهت پاسخگویی به انتظارات مردم، می‌توانند به افزایش اعتماد اجتماعی کمک کنند؛ چراکه در غیر این صورت، میثاق ملی، حالت صوری و کاذب پیدا خواهد کرد و عموم تصور خواهند کرد که این میثاق فقط برای مردم نوشته شده و برای مسئولین جامعه جنبه نمایشی دارد.

۲- پاسخگو بودن دولت در برابر اعمال خود می‌تواند به افزایش اعتماد مدنی در جامعه کمک کند، به‌خصوص قراردادان افرادی با توانایی پاسخگویی بیشتر در سمتهای دولتی، می‌تواند حسن ظن افراد را تقویت کند.

۳- باتوجه به این که افراد به دلیل عدم توانایی در جهت برآورده کردن نیازهای ابتدایی خود و رسیدن به اهداف اولیه خود، از طریق درست، مشکل داشته‌اند، ارزشهای جمع‌گرایانه را زیر پا می‌گذارند. لذا می‌توان رفع حداقل نیازهای همه افراد را، در اولویت

برنامه‌های دولت قرار داد.

۴- از سوی دیگر، نقش و تأثیر عوامل اجتماعی شدن در ترویج اعتماد اجتماعی و نهادینه کردن تلفیق جمع‌گرایی نسبت به اجتماع ملی با فردگرایی مثبت و اخلاقی در همه ابعاد جامعه، حائز اهمیت است؛ چراکه این امر ضمن حفظ استقلال فردی، خودآثربخشی، احترام به خود، خود شکوفایی و خود باوری افراد، از خودمداری و سودجویی جلوگیری کرده، فردیت‌طلبی را کاهش و وابستگی و دلبستگی به جمع را افزایش خواهد داد.

- ابراهیمی لویه، ع. (۱۳۸۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار. *بیک نور*، سال هفتم، شماره سوم، ۶۵-۸۴.
- ازکیا، م و غفاری غ. ر. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، ۳-۳۱.
- اسعدی، س. و اعتصام، ف.، کیم، ام.، نابت، ای. و رضایی، ف. (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی. *تازه‌های علوم شناختی*، سال هشتم، ۱۷-۲۲.
- اعظم آزاده، م. و توکلی، ع. (۱۳۸۶). فردگرایی و جمع‌گرایی و دینداری. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۳، شماره ۶، ۱۰۱-۱۲۵.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه نمایه پژوهشی*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۰-۴۲.
- ایمان، م. و غفاری نسب، الف. (۱۳۹۱). بررسی فردگرایی روش شناختی و چالشهای آن در علوم اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره اول (۴۵)، ۱-۱۸.
- توسلی، غ. (۱۳۶۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- جوادی یگانه، م. و هاشمی، س. ض. (۱۳۸۴). تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن. *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۶، ۱۴۱-۱۷۳.
- حسین پور، ر. (۲۰۰۵). فردگرایی و جمع‌گرایی و جهانی‌شدن. *کنفرانس بین‌المللی هویت و جهانی‌شدن*، استراسبورگ فرانسه، بازایی در ۱۲ اردیبهشت، ۱۳۹۱، از: http://pourhosein.ir/index.php?option=com_content
- حیدری، آ.، رضادوست، ک. و فروتن کیا، ش. (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲، ۳۹-۵۹.
- حیدرآبادی، الف. (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن. *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، ۳۹-۶۶.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

- دورکیم، ای. (۱۳۷۸). *خودکشی*. ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربیعی، ع. (۱۳۸۷). بحرانهای اجتماعی ایران امروز. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ۵۱-۸۰.
- روشه، جی. (۱۳۷۴). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ساعی، ع. (۱۳۸۹). *تحلیل فازی اعتماد اجتماعی* (مطالعه موردی: اعتماد شهروندان به شهرداری تهران). تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، سال اول (۱)، ۱۰۰-۱۱۲.
- شکبیا، ع.، بهرامی، ف. و کاوه فارسانی، ذ. ا. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی تأییدی و ویژگیهای روان‌سنجی مقیاس فردگرایی - جمع‌گرایی (AICS) اوکلند. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، سال دوازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۵)، ۲۰-۳۰.
- عباس‌زاده، م. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد دانشجویان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم (۱۵)، ۲۶۷-۲۹۱.
- عنایت، ح.، موحد، م. و حیدری، الف. (۱۳۹۱). مطالعه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در شهرهای شیراز و یاسوج. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم (۴۵)، شماره اول، ۸۱-۱۰۴.
- فرانزوی، ای. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی* (مترجم: مهرداد فیروز بخت و منصور قنادان). تهران: رسا.
- کتابی، م.، ادیبی سده، م.، قاسمی، و. و صادقی ده چشمه، س. (۱۳۸۹). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستانهای چهارمحال و بختیاری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره چهارم (۴۰)، ۹۷-۱۲۲.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کرایپ، وای. (۱۳۸۲). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: انتشارات آگه.
- گیدنز، ای. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، ای. (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، ای. (۱۳۷۸). *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع.، معیدفر، س. و گلابی، ف. (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره اول پیاپی (۴۱)، ۴۱-۷۰.
- محسنی تبریزی، ع. و صداقتی فرد، م. (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۳ (پیاپی ۴۳)، ۱-۲۲.
- محمدی اصل، ع. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. تهران: نشر علم.
- معیدفر، س. و جهانگیری، پ. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهر ارومیه. *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱ (۱)، ۴۸-۶۷.
- معیدفر، س. و دربندی، س. ع. (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع‌گراانه شهروندان تهرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۳، ۳۵-۵۸.
- موحدی، م. (۱۳۸۵). نگاهی به نیم‌رخ فرهنگی ایرانیان. شورای عالی انقلاب فرهنگی <http://iranaculture.org/UserFiles/pajhohesh/kalan/m15>
- میرزایی، ح. (۱۳۸۰). بررسی میزان فردگرایی در میان اقشار اجتماعی مختلف. *آینه پژوهش*، ج ۴، ۱۸-۲۲.
- نراقی، آ. (۱۳۸۶). لیبرالیسم: فردگرایی یا خویش‌مداری. *شهروند امروز*، شماره ۳۳، بازتاب اندیشه، ۹۵، ۱۵-۲۲.
- هزار جریبی، ج. و صفری شالی، ر. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، ۱۷-۳۸.
- هومنز، جی. کا. (۱۳۸۸). *رفتار اجتماعی و اشکال ابتدایی آن*. ترجمه علی اکبر محمودزاده، شیروان: سخن گستر.
- وبر، م. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مولی.
- یوسفی، ع. (۱۳۸۸). طبقه‌بندی اجتماعی نواحی شهر مشهد. ویرایش اول، *معاونت*

فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد، ۱-۲۷.

- Adams, R. J., Wilson, M. and Wang, W. C. (1997). The Multidimensional Random Coefficients Multinomial Logit Model. *Applied Psychological Measurement*, 21(1), 1-23.
- Andrich, D. (1978). A rating formulation for ordered response categories. *Psychometrika*, 43, 561-573.
- Hedeker, D. (1999). MIXNO. Chicago: University of Illinois Press.
- Hedeker, D. & Gibbons, R. (1996). MIXOR: a computer program for mixed-effects ordinal regression analysis. *Comput Methods Programs Biomed*, 157-176.
- Holland, P. and Wainer, H. (1993). *Differential Item Functioning*.
- Karimlou, M., Zayeri, F., and Salehi, M. (2011). *Archives of Iranian Medicine*, 14(4), 281-287.
- Masters, G. (1982). A Rasch model for partial credit scoring. *Psychometrika*, 47, 149-174.
- Skrondal, A., Rabe-Hesketh, S., and Boca Raton, F. (2004). Generalized Latent Variable Modeling: Multilevel, Longitudinal and Structural Equation Models: Chapman & Hall/ CRC Press.
- Wang, W. C., Yao, G., Tsai, Y. J., Wang J.D., and Hsieh, C. L. (2006). Validating, improving reliability, and estimating correlation of the four subscales in the WHOQOL-BREF using multidimensional Rasch analysis. *Quality of Life Research*, 15, 607-620.
- Wilson, M. and Hoskens, M. (2005). Multidimensional Item Responses: *Multimethod-Multitrait Perspectives Applied Rasch Measurement: A Book Of Exemplars*. California: Springer.
- Wolfinger, R. (1999). *Fitting nonlinear mixed models with the new NLMIXED procedure*. Paper presented at the Proceedings of the 99 Joint Statistical Meetings.
- Right, B., Linacre, J., Gustafson, J. E. and Martin, L. P. (1994). Reasonable mean-square fit values. *Rasch Measurement, Transactions. Rasch Meas Trans*, 8, 370.
- Wright, B. and Stone, M. (1979). *Best Test Design*. Chicago: Measurement, Evaluation, Statistics, and Assessment Press.
- Wu, M., Adams, R., and Wilson, M. (1998). ConQuest (Version 2). Australia: *Australian Council for Educational Research*.
- Yazdani, K. (2010). *Constructing a "quality of life" questionnaire using the WHOQOL-100 questionnaire and the Rasch analysis*. Ph.D, Tehran.
- 40-Basabe & Ros. (2005). Cultural dimensions and social behavior correlates: individualism-collectivism and power distance. *Revue Internationale De Psychologie sociale*, 189-225.

Basabe, N., & Ros, M. (2005). Cultural dimensions and social behavior correlates: individualism-collectivism and power distance. *Revue Internationale De Psychologie sociale*, 189-225.

Claeys, G. (1986, Jan-Mar). Individualism, Socialism, and Social Science : Further Notes on a Process of Conceptual Formation, 1800-1850. *Journal of the History of Ideas*, 47, 81-93.

ECLAC. (2007, May). Social cohesion: inclusion and a sense of belonging in the United Nations. Santiago, Chile: Santiago.

Goncalo, J. A., & Staw, B. M. (2006). Individualism-collectivism and group creativity. *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 100, 96-109.

Hagerty 'etal'. (1992, (June)). Sense of Belonging: A Vital Mental Health Concept. *Archives of Psychiatric Nursing*, Vol.VI, 172-177.

Hosted, g., & Bond, H. (1984). Hofstede's culture dimensions: an independent validation using Rokeach's value survey. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 15, 417-433.

Lukes, S. (1971, Jan-mar). The Meanings of Individualism. *Journal of the History of Ideas*, 32, 45-66.

Pollini, G. (2000). Social Belonging Second Edition-. (E. F. Borgatta, & R. J. Montgomery, Eds.) *Encyclopdia of sociology*.

Triandis "etal". (1988). Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspectives on Self-Group Relationships. *Journal of personality and Social Psychology*, 54, 323-338.